

بررسی فقهی و حقوقی اصول و ضوابط مهرالمثل در عقد نکاح

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۲/۰۴/۱۰)

دکتر رضا بیرانوند^۱

پژوهشگر برگزیده کشور و دارنده تندیس پژوهشگر برتر از موسسه قانون در سال ۱۴۰۲

شیرزاد رامیان

چکیده

مهر در لغت به معنای پول یا مالی است که به ذمه شوهر گذاشته می شود تا به زوجه بدهد. مهر در اصطلاح حقوقی عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح مرد ملزم به دادن آن به زن می شود. همچنین باید توجه داشت عقد ازدواج یکی از عقود است که طبق قانون دارای تشریفات و قواعدی است که باید رعایت شود. در حالی که همیشه همه این ضوابط به دلایل مختلف مورد توجه قرار نمی گیرد. گاهی این عدم توجه حاصل ناآگاهی است. از این رو لازم است نسبت به آن ها آگاهی بیشتری داشته باشید. به علاوه قانون نیز راهکارهایی را برای جلوگیری از مشکلات پیش بینی کرده است. یکی از مباحثی که باید در ازدواج رعایت شود، تعیین مهریه است اما گاهی زوجین بدون تعیین مهریه فارغ از نوع آن، اقدام به عقد ازدواج و روابط زناشویی می نمایند. در این موارد قانون مهریه را همچنان برای زن در نظر می گیرد و آن را به عنوان مهرالمثل می شناسد. فلذا باید توجه داشت مهر المثل یکی از انواع مهریه و به معنای ارزیابی زن برای شناخت مقدار مهریه او است که برای تعیین آن به زنان هم شأن آن زن مراجعه می شود. یعنی در تعیین مقدار مهر المثل معیارهایی چون جایگاه خانوادگی، زیبایی، سن، بکارت، دارایی و هر ویژگی دیگری که به واسطه آن جایگاه زن متفاوت می شود لحاظ می گردد. باتوجه به اهمیت این موضوع در این مقاله قصد داریم به بررسی فقهی و حقوقی اصول و ضوابط مهرالمثل در عقد نکاح بپردازیم.

واژگان کلیدی: مهریه، عقد نکاح، مهرالمثل، مهر المتعه، مهرالمسمی، ازدواج

بخش اول: بررسی و شناخت مهریه

مهریه مالی است که قابلیت تملک داشته باشد و در عقد نکاح، مرد تعهد می کند که به زوجه بپردازد. ما در این نوشتار به طور مختصر منابع و احکام حقوقی مهریه را بیان می کنیم. بنابراین مهریه مالی است که به هنگام عقد نکاح برای ضوابط شرع و رسم و عادت از طرف مرد به زن پرداخت می گردد و صدق - صداقیه، کابین و قرض هم نامیده می شود. مهریه عندالمطالبه است یعنی به محض انعقاد عقد نکاح زوجه مالک مهریه می شود. در صورت بطلان نکاح و یا فسخ آن از طرف مرد یا زن مهریه به زن تعلق نمی گیرد. در زمان عقد زوجین می توانند توافق نمایند که شخص خاصی ضمانت پرداخت مهریه را بنماید یا تضمین جهت پرداخت آن اخذ شود. بعد از فوت زن مهریه از طریق وراثت قابل مطالبه می باشد. یعنی وراثت می توانند به نسبت سهم الارث ادعای مهریه را داشته باشند. پس بای این وصف مهریه یکی از مواردی است که شوهر تعهد به پرداخت آن به عنوان یکی از حقوق زن دارد. قانون مدنی در ماده ۱۰۸۲، مهریه را این گونه تعریف می کند: به مجرد عقد، زن مالک مهر می شود و می تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. برخلاف باور عرف، مهریه یک نوع حق مالی به شمار می رود که زن به محض جاری شدن صیغه عقد مستحق دریافت آن است. در حالی که عموماً تقاضای مهریه هم زمان با تقاضای طلاق صورت می گیرد.

بخش دوم: بررسی و تحلیل حقوقی مهریه در قانون

از اصلی ترین و واجب ترین حقوق مالی زنان که مبتنی بر عقد نکاح به آنان تعلق می گیرد، مهریه آنان می باشد. در حال حاضر به غیر از آنکه احکام قانونی مهریه به طور جدی مورد توجه اکثر زوجین قرار گرفته است، تعیین و میزان آن نیز تا حد زیادی تحت الشعاع عرف و عادات نقاط گوناگون کشور قرار دارد. با این شرایط، نکته بسیار مهمی که در مورد تعیین مهریه قابل توجه است، این است که به رغم تصور اغلب مردم در مورد الزام تعیین مهریه هنگام عقد نکاح، بایستی عنوان کرد که تعیین مهریه از شروط لازم و ضروری جهت صحت عقد نکاح محسوب نمی شود. به عبارت دیگر، امکان دارد که زوجین در زمان عقد ازدواج، مهریه ای مشخص نکنند و یا تعیین آن را به بعد از عقد نکاح موکول کنند. در این حالت زوجه مستحق

مهریه ای است که آن را "مهر المثل" می نامند. علاوه بر مهر المثل انواع و اقسام دیگری از مهریه وجود دارد که در یک تقسیم بندی معروف مهریه به چهار نوع تقسیم می شود:

- مهر السنه
- مهر المسمی
- مهر المثل
- مهر المتعه

بند اول: مهر السنه

منظور از مهر السنه مهریه حضرت فاطمه زهراست که ۵۰۰ درهم می باشد. و از آن جایی که رسول خدا (ص) آن را برای کلیه زنان و دخترانش تعیین می نمود از آن تعبیر به مهر السنه می شود. البته میزان این مهریه، متفاوت ذکر شده است. کمترین مقدار روایت شده چهارصد درهم نقره‌ی مسکوک و بیشترین مقدار ذکر شده پانصد درهم نقره‌ی مسکوک است. پانصد درهم نقره‌ی مسکوک معادل پنجاه دینار طلای مسکوک در نظر گرفته می شده اس. با این حساب، چون هر دینار معادل ۴,۶۰۸ گرم (یک مثقال صیرفی) طلای سکه شده با خلوص ۷۵۰ است و دارای ۳,۴۵۶ گرم (یک مثقال شرعی) طلای خالص و حداقل ۰,۶۰۴۸ گرم (ربع درهم) نقره و مقداری مس می باشد، بنابراین پنجاه دینار معادل ۱۷۲,۸ گرم طلای خالص، حداقل ۳۰,۲۴ گرم نقره و مقداری مس می شود. در زمان پیامبر اسلام ارزش هر ۸۲۵.۶ گرم نقره با یک گرم طلا برابری می کرده است، در نتیجه پنجاه دینار معادل ۲۳.۱۷۷ گرم طلای خالص است (حداکثر ۲۵ سکه تمام بهار آزادی). باید توجه داشت که به علت ارزش بالای نقره در صدر اسلام (نسبت به طلا) و ارزش پایین آن در زمان ما (نسبت به طلا)، تمامی محاسبات با انجام تبدیلات به طلا انجام شده است.

بند دوم: مهر المسمی

همانطور که از نام آن مشخص است مهری است که در عقد ازدواج از آن اسم برده می شود. و عبارت است از میزان مالی که به عنوان مهر در عقد نکاح ذکر می شود و مورد توافق زوجین قرار می گیرد. به عبارت دیگر مقدار مالی که بعنوان مهر، هنگام عقد نکاح (ازدواج) و یا بعد از آن مورد توافق زوجین (زن و شوهر) به تراضی (رضایت) طرفین معین گردد.

طبق مفاد ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی تعیین مقدار مهر منوط به تراضی (رضایت) طرفین مشخص می‌گردد اگر اختیار تعیین مهر به زن داده شده باشد.

نکته اول: چنانچه حق مشخص نمودن مهر به زن داده شده باشد، نمی‌تواند مهر را بیش از مهرالمثل تعیین کند (مفاد ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی)

چنانچه در تحریر الوسیله چنین آمده است. مهریه از نظر کمی و زیادی به مقدار تقدیر نمی‌شود. (محدودیتی ندارد). بلکه آنچه که زوجین به آن رضایت پیدا می‌کنند. زیاد باشد یا کم مادامی که به سبب کم بودن از مالیت خارج نشود.

بند سوم: مهر المثل

مهرالمثل هم یکی دیگر از انواع مهریه می‌باشد. زن و شوهر می‌توانند در عقد نکاح مهر را تعیین نکنند و بعد از وقوع عقد با توافق مهر را تعیین نمایند. اگر پیش از تعیین مهر نزدیکی انجام بگیرد، زن مستحق مهرالمثل می‌باشد. و منظور از مهرالمثل نیز مالی است که با در نظر گرفتن وضعیت خانوادگی، و حال نزدیکان زوجه تعیین می‌شود. و اینکه مهریه زن‌هایی مشابه زوجه به لحاظ موقعیت شغلی و خانوادگی چگونه مهری باشد ملاک عمل قرار می‌گیرد. به بیان دیگر مهرالمثل میزان مهریه ای می‌باشد که با توجه به شرایط جامعه و عرف و عادت و نیز با در نظر گرفتن ویژگی‌های زن مانند سن، زیبایی، میزان تحصیلات، وضعیت اجتماعی و خانوادگی زن تعیین می‌شود. از طرفی چنانچه زن و مرد در زمان عقد مهریه را مشخص کرده باشند اما مهریه به جهتی از جهات مانند نامشروع بودن یا مالیات نداشتن باطل اعلام شود مانند مهریه قرار دادن مشروبات الکلی و آلات و ادوات قمار، در حالی که نزدیکی بین زن و مرد رخ داده باشد در این صورت مستحق مهرالمثل است. برابر با ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی که طبق آن، مهر المثل زن مشخص شده است، مقرر گردیده: "برای تعیین مهر المثل، باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود". بنابراین بر اساس این ماده قانونی می‌توان گفت مبنای تعیین مهر المثل، باید وضعیت خانوادگی و سایر صفات و خصوصیات موجود در زن مورد توجه باشد. شایان ذکر است این خصوصیات و صفات را باید با خویشاوندان زن و همچنین سایر افرادی که در وضعیت فعلی وی هستند، مورد سنجش و قیاس قرار داد.

بند چهارم: مهر المتعه

چنانچه در عقد نکاح مهر مشخص نشود و زوج بخواهد که زوجه را پیش از نزدیکی طلاق دهد بایستی مقداری را به عنوان مهر تعیین کند و به زوجه پرداخت نماید. این مبلغ نیز بستگی به وضعیت مالی زوج دارد. بنابراین تعیین میزان مهر المثل به وضعیت خانوادگی زوج و مهر المتعه به وضعیت مالی زوج بستگی دارد. این مهر متعلق به نکاح دائم است و در عقد نکاح موقت وجود ندارد. و این مهریه هم فقط در صورت طلاق به زوجه تعلق می گیرد و در صورت فوت شوهر و رخ ندادن نزدیکی این مهر به زن تعلق نمی گیرد.

بخش سوم: نگاهی به مصادیق مهر المثل در قانون

همانگونه که از عنوان مهر المثل نیز کاملاً مشخص است، برای تعیین مهر المثل، امثال زن، مانند نزدیکان و دوستان وی مورد بررسی و سنجش قرار خواهند گرفت تا مبلغی تحت عنوان مهر المثل برای زوجه تعیین شود. بنابراین کاملاً واضح است که تعیین مهر المثل زوجه جنبه قراردادی و توافقی نداشته و دارای جنبه عرفی و اجتماعی است. به عنوان مثال چنانچه مهر المسمی در هنگام عقد نکاح تعیین نگردد، بایستی موارد خاصی را مورد بررسی و سنجش قرار داد که مثلاً زوجه چه مدرک درسی دارد، و یا جایگاه خانوادگی و اجتماعی وی در چه مرحله ای است؟ آیا تحصیلات دانشگاهی دارد؟ و در چه مقطعی تحصیل نموده و سایر خویشاوندان، رفقا و آشنایان او که در چنین سطح و جایگاه فردی، اجتماعی و خانوادگی قرار دارند، معمولاً چه مقدار مهریه را برایشان در عقد نکاح تعیین شده است؟

بند اول: تعیین مهر المثل برای زن به چه صورت انجام می شود؟

در بخش قبل مهر المثل زن و معنای مهر المثل مورد بررسی قرار دادیم و اشاره شد که مهر المثل زن در صورتی تعیین می گردد که ضمن عقد نکاح، زن و مرد مهریه مشخصی را میان خود قرار نداده باشند. اما پرسش بسیار مهمی که در مورد مهر المثل زن وجود دارد، این می باشد که در چه حالت و شرایطی اقدام به تعیین مهر المثل برای زوجه می گردد و اصولاً در چه شرایطی تعیین مهر المثل برای خانم ها ضرورت دارد؟ در پاسخ به این سوال که نحوه و شرایط تعیین مهر المثل کدامند، باید اعلام نمود که در برخی از مواد قانون مدنی، شرایطی که در آن مهر مثل تعیین گردیده، مشخص شده است. این موارد، برگرفته از فقه اسلامی هستند که در ادامه به برخی از مهم ترین موارد تعیین مهر المثل برای زوجی اشاره خواهیم کرد:

- در حالتی که زن و مرد قبل از عقد ازدواج اقدام به تعیین مهریه نکرده باشند و قبل از تعیین مهریه، بین آنها نزدیکی رخ داده باشد، در این صورت برای زن مهرالمثل تعیین خواهد شد.
- در صورتی که توافق زوجین در خصوص تعیین مهرالمسمی، به دلیلی باطل بوده باشد، میزان مهریه زن همان مهرالمثل در نظر گرفته خواهد شد.
- در صورتی که عقد نکاح از ابتدا میان زوجین باطل بوده باشد و بین زن و مرد هم نزدیکی واقع شده باشد و زن از باطل بودن عقد نکاح مطلع نباشد، در این مورد هم به زن مهرالمثل تعلق می گیرد.

با توجه به موارد ذکر شده، کاملاً مشخص است که تعیین مهرالمثل برای زوجه در شرایطی امکان پذیر خواهد بود، که ضمن عقد نکاح، هیچ مهریه ای برای زن مشخص نشده باشد و رابطه زناشویی میان زوجین حادث شده باشد که در این حالت، زن استحقاق دریافت مهر المثل را خواهد داشت. در این شرایط، زوجه می تواند برای تعیین مقدار مهر المثل خود، به دادگاه خانواده مراجعه و دادخواست تعیین مهر المثل تقدیم دادگاه نماید.

بخش چهارم: موارد اثبات مهر المثل از دیدگاه امام خمینی

به عقیده امام خمینی در موارد ذیل مهر المثل موضوعیت پیدا می کند:

(الف) مهریه قرار دادن چیزی که ملک مسلمان نمی شود. اگر چیزی که به ملک مسلمان در نمی آید، مهر قرار داده شود، مانند شراب و خوک، عقد صحیح است ولی مهر باطل است؛ پس زن چیزی را با عقد مالک نمی شود، ولی با دخول، مستحق مهر المثل می شود، البته در موردی که شوهر غیر مسلمان باشد، تفصیل است.

(ب) مبهم بودن مهریه: مهر باید طوری تعیین شود که از ابهام خارج شود، پس اگر یکی از این دو چیز را، یا خیاطی یکی از دو پارچه را مثلاً مهر قرار دهد، مهر باطل می شود، نه عقد. و برای زن با دخول به او، مهر المثل ثابت است، البته تعیینی که در بیع و مانند آن از معاوضات معتبر است، در مهر معتبر نمی باشد. پس مشاهده چیز حاضر کفایت می کند؛ اگر چه کیل یا وزن یا تعداد یا ذرع آن را نداند مانند یک کپه گندم و یک تکه طلا و یک طاقه از پارچه که مشاهده شده است و یک کپه حاضر از گردو و امثال این ها.

ج) عدم ذکر مهریه در ازدواج دایم: ذکر مهر در ازدواج موقت شرط است، پس اگر اخلال به آن نماید باطل است. ولی «ذکر مهر در صحت عقد دائم شرط نیست، پس اگر زنی را عقد کند و اصلاً مهری برایش ذکر نکند عقد صحیح است، بلکه اگر تصریح به عدم مهر کند صحیح است و به این، یعنی به واقع ساختن عقد بدون مهر «تفویض بضع» گفته می‌شود و به زنی که مهری در عقدش ذکر نشده، «مفوضه البضع» گفته می‌شود. اگر عقد بدون مهر واقع شود، زن قبل از دخول چیزی را مستحق نمی‌شود، مگر اینکه او را طلاق دهد؛ پس زن استحقاق دارد که مرد به حسب حالش از غنا و فقر و باز بودن دست و تهی بودن آن، چیزی را از دینار یا درهم یا لباس یا چهارپا یا غیر این‌ها به او بدهد و به این چیز، متعه گفته می‌شود. و اگر عقد قبل از دخول با چیزی غیر از طلاق فسخ شود، مستحق چیزی نمی‌باشد. و همچنین است اگر یکی از آن‌ها قبل از دخول بمیرد. و اما اگر به او دخول نموده باشد به سبب آن، مستحق مهر امثال خودش می‌باشد.

بند اول: کشف بطلان عقد و بی اطلاعی زن

اگر فساد عقد معلوم شود، به اینکه روشن شود که شوهر دارد یا مثلاً خواهر زوجه یا مادر زوجه می‌باشد و به او دخول ننماید مهری ندارد. و اگر زن، مهر را گرفته باشد، مرد حق دارد که آن را از زن برگرداند، بلکه اگر تلف شود بر زن است که عوض آن را بدهد. و همچنین است اگر به او دخول نماید و زن فساد آن را بداند. و اما اگر زن جاهل باشد حق مهر المثل را دارد، پس اگر آنچه را که گرفته است بیشتر از مهر المثل باشد زیادی را برمی‌گرداند و اگر کمتر باشد آن را کامل می‌کند.

بند دوم: نکات تکمیلی در خصوص تعیین مهرالمثل

گاهی ممکن است که در هنگام عقد دائم، زوجین مهریه و مقدار آن را مشخص نکرده باشند. اما چنانچه مهریه به موجب توافق زوجین در زمان انعقاد عقد ازدواج تعیین نگردیده باشد، باعث نمی‌گردد که زن حق و طلب خود را بابت مطالبه مهریه از دست بدهد و دیگر مهریه به او تعلق نگیرد. مطابق با ماده ۱۰۹۳ قانون مدنی: «در صورتی که مهر در عقد ذکر نشده باشد و زوج قبل از نزدیکی و تعیین مهریه، همسر خود را طلاق دهد زن مستحق مهرالمتعه خواهد بود و اگر بعد از آن طلاق دهد مستحق مهرالمثل است. بنابراین، یکی از مهم ترین مواردی که

مهرالمثل به زن تعلق خواهد گرفت این است که در عقد مهریه تعیین نشده باشد و مرد بخواهد بعد از وقوع رابطه زناشویی همسر خود را طلاق دهد. در حالتی که مهریه به موجب عقد نکاح مشخص نشده باشد، میزان مهریه بر حسب عرف و با توجه به وضعیت زن از لحاظ موقعیت خانوادگی و اجتماعی او، تحصیلات، سن، زیبایی و مواردی از این قبیل و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و محل سکونت وی تعیین می شود و به موجب این ماده قانونی: «برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود.» بررسی این موارد به جهت تعیین مقدار مهرالمثل، از طریق کارشناسان رسمی دادگستری صورت خواهد پذیرفت. در حالت دیگر، اگر زوجین در زمان عقد نکاح، مهریه را تعیین کرده باشند ولی مهریه به جهتی از جهات مانند نامشروع بودن یا مالیت نداشتن، باطل اعلام گردد، یعنی شرایط لازم برای صحت مهریه موجود نباشد، مانند مهریه قرار دادن آلات و ادوات قمار، مشروبات الکلی یا در حالی که نزدیکی بین زن و مرد رخ داده باشد، در این صورت زوجه مستحق مهرالمثل است.

بخش پنجم: نگاهی به احکام حقوقی و فقهی در خصوص تعیین مهرالمثل

برخی از احکام فقهی مربوط به مهر المثل عبارتند از:

- اگر ولی قهری دختر بچه، مهریه یا همان مهرالمسمی او را خیلی کمتر از مهر المثل قرار داده باشد و یا ولی قهری پسر بچه، مهریه همسر او را بیشتر از مهر المثل قرار دهد، برخی از فقها قرار دادن چنین مهریه‌ای را باطل اعلام می نمایند و معتقدند مهر المثل باید جایگزین آن گردد.
- بر اساس نظر بسیاری از فقهی، مهر المثل مربوط به عقد دائم است و در عقد منقطع یا موقت مهر المثل راه ندارد.

بند اول: احکام حقوقی در خصوص مهرالمثل

- مطابق با ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی در صورتی که در ازدواج دائم، مهریه تعیین نگردد یا عدم مهریه شرط شود، عقد صحیح است، ولی باید تکلیف مهریه مشخص شود. اگر هنوز رابطه زناشویی رخ نداده باشد زن و مرد می توانند درباره میزان آن توافق

کنند، اما اگر قبل از توافق آمیزش صورت گرفته باشد، زن مستحق مهر المثل خواهد بود.

- همچنین مطابق با ماده ۱۰۹۰ قانون مدنی اگر تعیین مهریه به زوجه واگذار گردد، او نمی تواند بیش از میزان مهر المثل معین نماید.

مهم ترین نکاتی که باید در مورد تفاوت مهرالمثل با مهر المتهه بدانیم عبارت هستند از:

- تعیین مهریه جزو عقد ازدواج است اما شاید بیشتر افراد جامعه از این امر مطلع نباشند که عقد ازدواج دائم بدون مهریه نیز صحیح است برعکس عقد منقطع که تعیین مهر در آن، جزء لاینفک عقد است و بدون مهر عقد باطل خواهد بود.
- در مقابل در عقد دائم ذکر نکردن مهر خدشه ای به صحت عقد وارد نمی کند. ممکن است طرفین عقد ازدواج با هم توافق کنند که بعدا مهریه را مشخص کنند منتهی ممکن است یک سری شرایط پیش بیاید که بسته به آن میزان تعیین مهر متفاوت خواهد بود.
- اگر زن و شوهر توافق کنند که مهریه را بعدا تعیین کنند و اتفاقا قبل از تعیین مهر دخول رخ دهد در اینجا مهرالمثل برای زن تعیین می شود.
- حالت بعد هنگامی است که مهر هنوز تعیین نشده و مرد بعد از نزدیکی با زن او را طلاق می دهد. در این حالت نیز مهرالمثل تعیین خواهد شد. تعیین مهر المثل با دادگاه است که برای تعیین آن، حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات او مانند اینکه تحصیلات او چقدر است و میزان مهریه بستگان زن مانند دخترخاله ها و دخترعمه ها مورد توجه قرار می گیرد. معمولا با چنین قرینه هایی می توان مهرالمثل را که بسته به شرایط و عرف است تعیین کرد.
- در حالت دیگر ممکن است قبل از تعیین مهر توسط زوجین و قبل از دخول و نزدیکی یکی از زوجین بمیرد که در این حال هیچگونه مهری به زن تعلق نخواهد گرفت و آخرین حالت نیز وقتی است که هنوز مهر تعیین نشده و قبل از دخول مرد زن را طلاق می دهد. در این حالت مهرالمتهه به زن تعلق خواهد گرفت.

- در تعیین مهرالمتعه برعکس مهرالمثل، این حال مرد است که از حیث غنا و فقر مورد توجه قرار می گیرد. در مهرالمثل این وضعیت زن و بستگان و شان و شخصیت او بود که برای تعیین مهرالمثل ملاک بود اما در مهرالمتعه وضعیت مالی مرد در نظر گرفته می شود و با توجه به دارا بودن یا نبودن اوست که میزان مهریه معلوم می شود.
- در هر دو مورد تعیین مهرالمتعه و مهرالمثل نمی توان فرمول خاصی استفاده کرد و به عدد خاصی رسید. این وضعیت و شرایط است که توسط دادگاه سنجیده می شود و بعد مهرالمثل یا مهرالمتعه تعیین می شود.

نتیجه گیری

در جمع بندی کلی و پایانی مقاله حاضر باید گفت در صورتی که زن در هنگام عقد نکاح مهر المسمی تعیین نشده باشد، مهر المثل بسته به شرایط اقتصادی خانواده و توافق طرفین محاسبه می شود. اما در صورت وقوع جرمی همچون تجاوز جنسی یا زورگیری، زن مستحق دریافت مهر معین خواهد بود. همچنین فهمیدیم در صورتی که زن به دلیل گفتار مرتکب، همسر خود را طلاق دهد، مستحق مبلغ مهر المثل خواهد بود. در نهایت، در صورتی که زوج، کارشناس را درباره مهر المثل چالش دهد، می تواند از سامانه های الکترونیکی قضایی برای اعتراض به نظر کارشناس استفاده کند. تعیین مهر المثل برای دختران باکره نیز بسته به شرایط تعیین شده قاضی و جریمه برای متجاوز تعیین می شود، که می تواند به عنوان جریمه برای اصلی تجاوز و ارش البکاره باشد. بنابراین، بر اساس این مقاله، تعیین مهر المثل برای زن در حقوق به شرایط واقعی و قراردادی بستگی دارد و ممکن است قبل از تعیین مهر نمایان شود. همانطور که اشاره داشتیم و توضیح دادیم با توجه به اینکه مهرالمثل طبق قانون تعیین می شود، شرایط و نحوه آن نیز به موجب قانون است. به موجب ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی، «برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به امثال و اقربان و اقارب و همچنین معمول محل و غیره در نظر گرفته شود. تشخیص این امور نیز به عهده دادگاه و کارشناس رسمی دادگستری صورت می گیرد. مهر المثل شرایطی مانند مهریه یا همان مهر المسمی دارد اما نکته

قابل توجه در مهر المثل، پرداخت آن در با انجام رابطه زناشویی است. به عبارت بهتر اگر رابطه زناشویی میان طرفین صورت بگیرد، در صورتی که هیچ گونه عقدی بین آن‌ها نیز نباشد، علاوه بر مجازات زنا، مهر المثل نیز باید به زن پرداخت شود. در پرداخت مهریه باید این مورد را در نظر داشت که مهر المثل پیش از عدم نزدیکی می‌تواند با توافق طرفین شود ولی در صورتی که نزدیکی انجام شده باشد، مهر المثل به زن تعلق می‌گیرد. همچنین تعیین مهریه اگر به عهده زوج باشد، وی نمی‌تواند بیش از مهر المثل آن را تعیین نماید. در حالی که مفهومی مخالف آن نشان می‌دهد، تعیین مهریه توسط مرد هیچ گونه محدودیتی در میزان ندارد علاوه بر اینکه نباید کمتر از مهر المثل باشد.

منابع و مأخذ

الف) منابع عربی

- ۱- اردبیلی، احمد بن محمد، زبدۀ البیان فی أحكام القرآن، انتشارات المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران، چاپ اول ۱۴۰۳ هـ
- ۲- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، چاپ اول، ۱۴۰۳ هـ
- ۳- حکیم، سید محسن، منهاج الصالحین، انتشارات لطفی، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۵۳
- ۴- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، انتشارات مجمع البحوث الإسلامیة، مشهد - ایران، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ
- ۵- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت
- ۶- حلی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۷ هـ
- ۷- حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، إیضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم - چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ
- ۸- خوئی، ابولقاسم، مصباح الفقاهه، انتشارات دارالهادی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ
- ۹- دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - الحديثة)، کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ
- ۱۰- صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، تلخیص الخلاف و خلاصه الاختلاف - منتخب الخلاف، انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - ره، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ
- ۱۱- عاملی، کرکی، محقق ثانی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم چاپ دوم، ۱۴۱۴ هـ
- ۱۲- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)، کتابفروشی داورى، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ
- ۱۳- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الأفهام إلی تنقیح شرائع الإسلام، ۱۵ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة، قم - ایران، اول، ۱۴۱۳ هـ

۱۴- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - دار الحديث)، دار الحديث للطباعة و النشر، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ ق

۱۵- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت - لبنان، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ هـ ق

۱۶- یزدی طباطبایی، محمد کاظم: عروة الوثقی، ۲ جلدی، انتشارات المكتبة العلمیه الاسلامیه، بی تا

(ب) منابع فارسی

۱۷- امامی، سید حسن، حقوق مدنی (امامی)، انتشارات اسلامی، تهران

۱۸- تبریزی، جعفری، محمد تقی، رسایل فقهی (علامه جعفری)، انتشارات منشورات کرامت، تهران-ایران، اول ۱۴۱۹

۱۹- ایمانی، باران، کتاب طلایی: حقوق مدنی ۲ (اموال و مالکیت)، انتشارات طلایی پویندگان دانشگاه، ۱۳۹۱ چاپ اول

۲۰- جمالی زاده، احمد، بررسی فقهی عقد بیمه، قم، انتشارات بوستان کتاب (دفتر تبلیغات اسلامی)، اول، ۱۳۷۹

۲۱- جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی، تفسیر شاهی، انتشارات نوید، تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴ هـ ق

۲۲- جمالی زاده، احمد، نظری فقهی به مساله بیمه، مجله علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱

۲۳- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری - مترجم: بخشایشی، عبد الرحیم عقیقی، کنز العرفان فی فقه القرآن - پاساژ قدس، قم - چاپ اول، هـ ق

۲۴- خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی، علی، تحریر الوسیله - ترجمه، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، ۲۱، ۱۴۲۵ هـ ق

۲۵- خمینی، روح الله موسوی، توضیح المسایل (محشی-امام خمینی)، ۲ جلد دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ هشتم، ۱۴۲۴ هـ ق

۲۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه چاپ اول از دور جدید، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۷۲ ش

- ۲۷- زنجانى، سيد موسى شيرى، كتاب نكاح (زنجانى)، مؤسسه پژوهشى راي پرداز، قم - ايران، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ ق
- ۲۸- ساسان نژاد، امير هوشنگ، مجموعه قوانين و مقررات بیمه، انتشارات فردوسی ۱۳۹۱، چاپ پنجم
- ۲۹- شوشتری، سيد محمد حسن مرعشى، دیدگاه‌های نو در حقوق، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۴۲۷ هـ
- ۳۰- شیرازی، ناصر مکارم، رساله توضیح المسایل (مکارم)، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم-ايران، چاپ پنجم ۱۴۱۹،
- ۳۱- صفایی، سيد حسين، دوره مقلدماتی حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، چاپ چهاردهم، پاییز ۱۳۹۲
- ۳۲- طاهری، حبيب الله، حقوق مدنی (طاهری)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ هـ ق
- ۳۳- فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سيد محمود هاشمی مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ايران، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ ق
- ۳۴- قاسم زاده، مرتضی، حقوق مدنی (مختصر قراردادها و تعهدات، نشر دادگستر، چاپ هفتم، ۱۳۹۱۳۴
- ۳۵- کاتوزیان، حقوق مدنی عقود و معین، دانشگاه چاپ دوم، تهران، ۱۳۵۶
- ۳۶- گرجی، ابو القاسم، تاریخ فقه و فقه، مؤسسه سمت، تهران - ايران، چاپ سوم، ۱۴۲۱ هـ ق
- ۳۷- گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتاءات (بهجت)، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم - ايران، چاپ اول، ۱۴۲۸ هـ ق
- ۳۸- مطهری، شهید مرتضی، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، قم - ايران، چاپ اول، هـ ق
- ۳۹- میانجی، علی احمدی، مالکیت خصوصی در اسلام، در یک جلد نشر داد گستر، تهران- ايران ۱۳۸۰

- ۴۰- یزدی، سید مصطفی محقق داماد، قواعد فقه (محقق داماد)، انتشارات علوم اسلامی، تهران - ایران، چاپ دوازدهم، ۱۴۰۶ ه‍.ق
- ۴۱- یزدی، سید مصطفی محقق داماد، بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن، انتشارات قم، چاپ اول
- ۴۲- لطفی، اسدالله، ایران قوانین و احکام، سلسله مباحث حقوق و احکام خانواده، دو جلدی، انتشارات تهران: خرسندی ۱۳۸۸، چاپ اول ۱۳۸۹،
- ۴۳- احمدیه، مریم، حق اجرت المثل و نحلہ در یک بررسی حقوقی، انتشارات مجله کتاب زنان، شماره ۲۵،
- ۴۴- دهخدا، زهرا، حقوق زن از منظر قرآن و قانون مدنی ایران برگرفته از پورتال مقالات علمی علوم انسانی
- ۴۵- عادلی اردبیلی، سهیلا، حسنی، زهرا، بررسی ماهیت فقهی بیمه، مجله تخصصی فقه و مبانی حقوق واحد بابل سایت مقالات علوم انسانی
- ۴۶- قاسم زاده، مرتضی، بیمه مهر: لزوم تبیین و بازنگری و اصلاح ساختار آن، مجله پژوهش های حقوقی، شماره ۱۱، نیمسال اول ۱۳۸۸
- ۴۷- قاضی، عبدالحلیم، بیمه و احکام اسلامی، برگرفته از سایت مقالات علمی علوم انسانی
- ۴۸- کاظمی، زهره، حمایت های مالی زنان در نظام حقوق خانواده از دیدگاه اسلام برگرفته از سایت مقالات علوم انسانی